



University of Tehran Press

The Option of Defect and the Challenge of Delay in its Exercise: A Jurisprudential and Legal Analysis

Ahmad Saberi Majd¹ | Mahdi Miri^{2*}

1. Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran, Email: ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Private Law, Faculty of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran, Email: mirimahdi276@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received: 29 August 2024

Revised: 22 November 2024

Accepted: 18 December 2024

Published online 03 March 2025

Keywords:

Option of Defect,

Buyer',

s Delay,

Right to Compensation,

Right to Rescind

ABSTRACT

The option of defect is a right that allows the buyer to rescind the transaction or receive compensation in the event of a defect in the goods. This research examines whether the buyer's delay in exercising the option of defect leads to the lapse of their right to rescind and claim compensation. This study employs a descriptive-analytical method and examines the impact of delay in exercising the option of defect on the rights of rescission and compensation. The findings show that a delay does not, in itself, lead to the lapse of these rights unless it indicates the buyer's implied consent to the defect. In case of an unreasonable delay that causes detriment to the seller, the right of rescission lapses; however, the right to claim compensation remains valid as long as the buyer does not explicitly waive it or release the seller from the obligation. This approach can play an important role in protecting buyers in online transactions and determining the return period for goods. It is recommended that the legislator update the regulations concerning the option of defect, including providing a clearer definition of "immediacy," specifying a time limit for exercising the option, and setting clear sanctions for failure to exercise it in a timely manner. This contributes to greater transparency in commercial relations and prevents the violation of the rights of the parties involved.

option of defect, buyer's delay, right to compensation, right to rescind.

Cite this article: Sabri Majd, A. & Miri, M. (2025). The Option of Defect and the Challenge of Delay in its Exercise: A Jurisprudential and Legal Analysis. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (1), 49-63. <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380601.1009497>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380601.1009497>



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

خيار عيب و چالش تأخير در اعمال؛ تحليل فقهی و حقوقی

احمد صابری مجد^۱ | مهدي میری^{۲*}

۱. گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: ahmad.saberimajd@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mirimahdi276@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

کلیدواژه:

تأخیر در اعمال خیار،

حق ارش،

حق فسخ،

خيار عيب.

خيار عيب حقی است که به خریدار اجازه می‌دهد در صورت وجود عيب در کالا معامله را فسخ یا ارش (مابه‌التفاوت قیمت) دریافت کند. نوشتار حاضر به این پرسش می‌پردازد که آیا تأخیر خریدار در اعمال خيار عيب حق فسخ و مطالبه ارش وی را ساقط می‌کند یا خیر؟ این نوشتار با شیوه‌توصیفی-تحلیلی و با بررسی تأثیر تأخیر در اعمال خيار عيب بر حق فسخ و ارش نشان داد تأخیر به‌خودی‌خود موجب سقوط این حقوق نمی‌شود، مگر آنکه حاکی از رضایت ضمنی خریدار باشد و در صورت تأخیر غیر موجه و تضرر فروشنده حق فسخ ساقط می‌شود، اما حق ارش تا زمانی که خریدار صریحاً از آن صرف‌نظر نکرده یا فروشنده را ابراً نکند باقی می‌ماند. این دیدگاه می‌تواند در حمایت از خریداران در معاملات آنلاین و تعیین زمان مرجوعی کالا نقش مهمی ایفا کند. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با به‌روزرسانی مقررات مربوط به خيار عيب، از جمله تعریف دقیق‌تر مفهوم فوریت، تعیین مدت زمان مشخص برای اعمال خيار، و تعیین ضمانت اجرای روشنی برای عدم اعمال به‌موقع آن به شفافیت بیشتر در روابط تجاری و جلوگیری از تضییع حقوق متعاملین کمک کند.

استناد: صابری مجد، احمد و میری، مهدي (۱۴۰۴). خيار عيب و چالش تأخير در اعمال؛ تحليل فقهی و حقوقی. پژوهش‌های فقهی، ۲۱ (۱)، ص ۴۳-۴۹.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380601.1009497>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.380601.1009497>



مقدمه

در نظام حقوقی اسلامی، خيار عيب یکی از ابزارهای مهم حمايت از حقوق متعاملين در معاملات است که به او اين امکان را می‌دهد تا در صورت وجود عيب در کالای خریداری شده معامله را فسخ کند یا مبلغی را به عنوان ارش (مابه‌التفاوت قيمت کالای سالم و معيوب) دریافت کند. با این حال، قانون مدنی ایران اعمال این خيار را مشروط به فوریت پس از کشف عيب کرده است و در صورت تأخير حق خریدار را ساقط می‌داند (ماده ۴۳۵).

پیچیدگی‌های دنیای تجارت امروز و گسترش خریدهای آنلایین تشخیص فوری عيب و اعمال سریع خيار عيب را با چالش‌هایی مواجه کرده است. مثلاً، در خریدهای آنلایین، خریدار ممکن است به دليل عدم دسترسی فیزیکی به کالا یا عدم اطلاعات کافی در خصوص آن نتواند عيب موجود را به سرعت تشخیص دهد. همچنین، پیچیدگی برخی کالاها مانند لوازم الکترونیکی یا ماشین‌آلات صنعتی نیازمند بررسی و کارشناسی تخصصی برای تشخیص عيب است که این امر ممکن است زمان‌بر باشد.

بنابراین، با توجه به اهمیت خيار عيب در حمايت از حقوق خریداران و نیز با توجه به چالش‌های پیش‌گفته، این پژوهش به طور خاص به بررسی مسئله تأخير در اعمال خيار عيب در معاملات امروزی می‌پردازد. در این زمینه، دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی در خصوص تأثیر تأخير در اعمال خيار عيب بر حق فسخ و ارش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت پیشنهادهایی برای رفع ابهامات و چالش‌های موجود ارائه می‌شود.

این مسئله ابهامات و چالش‌های حقوقی متعددی را ایجاد کرده است. در واقع، با توجه به سکوت قانون‌گذار در خصوص مفهوم «فوریت» و عدم تعیین ضابطه‌ای مشخص برای آن، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که در صورت تأخير خریدار در اعمال خيار عيب وضعیت حقوقی او چگونه خواهد بود؟ آیا حق فسخ و ارش او به طور کامل ساقط می‌شود یا خیر؟ در فقه اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. برخی فقها قائل به سقوط حق فسخ و ارش و برخی دیگر قائل به بقای آن دو هستند. در حقوق ایران نیز قانون مدنی در خصوص تأثیر تأخير در اعمال خيار عيب بر حق فسخ و ارش رویکردی متفاوت از دیدگاه فقهی مشهور دارد. قانون مدنی ایران در ماده ۴۳۵ اعمال خيار عيب را فوری و تأخير را موجب سقوط آن می‌داند. اما در خصوص رویه قضایی در حکم مسئله مزبور ابهام وجود دارد که منجر به صدور آرای متناقض و متعارض در این زمینه شده است. برخی محاکم، با تفسیر مضیق از مفهوم فوریت، هر گونه تأخير در اعمال خيار را موجب سقوط حق فسخ و ارش می‌دانند؛ در حالی که برخی دیگر با توجه به شرایط و احوال خاص هر معامله رویکردی منعطف‌تر اتخاذ می‌کنند و در برخی موارد حق فسخ و ارش خریدار را حتی با وجود تأخير محفوظ می‌دانند. این اختلاف‌نظرها نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به فوریت در خيار عيب و تدوین ضوابطی شفاف و جامع برای تعیین وضعیت حقوقی خریدار در فرض تأخير در اعمال این خيار است. هدف اصلی این پژوهش تبیین وضعیت حقوقی خریدار در فرض تأخير در اعمال خيار عيب از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران است. به عبارت دیگر، این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی ادله و مستندات فقهی و حقوقی به این پرسش پاسخ دهد که آیا تأخير خریدار در اعمال خيار عيب به سقوط حق فسخ و ارش او منجر می‌شود یا خیر؟ و در صورت سقوط، آیا این سقوط شامل هر دو حق می‌شود یا تنها حق فسخ را در بر می‌گیرد؟

با وجود کمبود پژوهش‌های مستقل در این حوزه، برخی تحقیقات به صورت مختصر به جنبه‌های خاصی از این موضوع پرداخته‌اند. مثلاً، در پژوهش «تأخير در اعمال حق فسخ در نکاح به علت خيار عيب» شیرمحمدی و طائی (۱۴۰۰) به بررسی آثار فقهی و حقوقی تأخير در اعمال حق فسخ در ازدواج به دليل ناآگاهی از فوریت خيار عيب پرداخته‌اند. میرزائزاد جویباری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی نو به مفهوم فوریت خيار در حقوق ایران» با مطالعه تطبیقی به بررسی مفهوم فوریت در خیارهای مختلف از جمله خيار عيب، غبن، تدلیس، و تخلف وصف پرداخته و موضع حقوق ایران را با حقوق انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین مقایسه کرده است. خدابخشی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «فوریت یا تراخی در اعمال خيار» به بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در خصوص فوریت یا تراخی در اعمال خیارهای مختلف پرداخته و به دنبال ارائه راه‌حلی واحد برای همه خیارهای بوده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی اسلامی، به تحلیل دقیق در خصوص تأخير در اعمال خيار

عیب نیز پرداخته می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش و با در نظر گرفتن ضرورت‌های بازار امروز و تحولات تجارت الکترونیک، پیشنهادهایی برای اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات مربوط به خیار عیب ارائه می‌شود. در این پژوهش، علاوه بر بررسی مبانی فقهی و حقوقی، به رویه قضایی در ایران نیز توجه شده و آرای محاکم در خصوص تأخیر در اعمال خیار عیب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به طور خلاصه، پژوهش حاضر با رویکردی جامع و با در نظر گرفتن پیشینه فقهی، حقوقی، و قضایی به دنبال پاسخگویی به ابهامات و چالش‌های موجود در زمینه تأخیر در اعمال خیار عیب و ارائه راه‌حل‌های کارآمد برای آن است.

مفهوم‌شناسی خیار عیب

خیار

خیار در لغت به معنای اختیار است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۶۷). یعنی انسان می‌تواند کاری را انجام دهد یا ندهد. در اصطلاح فقهی، خیار به معنای حق فسخ عقد است (فخرالمحققین، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۸۲)؛ یعنی اختیار بر هم زدن قرارداد (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۵۲). در حقوق نیز خیار به معنای تسلط بر از بین بردن اثر عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۶۶). در نتیجه می‌توان چنین گفت که خیار به معنای اختیار فسخ است؛ یعنی حقی که منطبق بر عقد یا حکم شرع صاحب خیار از حق انحلال یا اثبات و ابقای عقد لازم برخوردار است.

خیار عیب

ماده ۴۲۲ قانون مدنی در تبیین مفهوم خیار عیب بیان می‌دارد: «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ارش یا فسخ معامله». برابر ماده ۴۲۳ قانون مدنی: «خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می‌شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد». موافق این ماده، شرط وجود خیار عیب علاوه بر مخفی بودن عیب موجود بودن آن در هنگام عقد است.

در فقه، عیب این‌گونه تعریف شده است: «کَلِمَا كَانَ فِي اَصْلِ الخَلْقَةِ فَرَادَ اَوْ نَقَصَ فَهُوَ عَيْبٌ.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۵۸) برخی فقها داوری عرف را ملاک تشخیص این امر دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۷۵) و گروهی نیز نقص و زیاده را ناظر به امر عینی تلقی کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۰، ج ۳: ۴۷۴).

فوریت در اعمال خیار عیب

در فقه و قانون مدنی ایران، برخی اختیارات فوری هستند و صاحب خیار باید بلافاصله پس از اطلاع از وجود آن خیار خود را اعمال کند، در غیر این صورت حق او ساقط می‌شود. این اختیارات عبارت‌اند از: خیار عیب (ماده ۴۲۲ و ۴۲۳ قانون مدنی) که به دلیل وجود نقص در کالا ایجاد می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۵۸)، خیار تدلیس (ماده ۴۳۸ قانون مدنی) که ناشی از فریب در معامله است، خیار غبن (ماده ۴۱۶ قانون مدنی) که به دلیل ضرر فاحش به وجود می‌آید (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۲۳۳)، و خیار رؤیت و تخلف وصف (ماده ۴۱۳ و ۴۱۰ قانون مدنی) که در صورت مشاهده کالا برخلاف آنچه توصیف شده ایجاد می‌شود.

واژه «فور» در لغت به معنای متعدد آمده است؛ از جمله «در غلیان و به جوش آمدن»، «بی‌درنگ»، «آغاز هر چیزی» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۵۸)، انجام در اولین زمان (فیومی، بی‌تا: ۴۸۲). در اصطلاح فقهی، «فور» به معنای اقدام به یک امر در اولین فرصت ممکن و متعارف است (خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۹۲).

در خصوص فوریت خیار عیب اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها مانند ابن‌زهره (غنیه النزوع: ۲۲۲) معتقدند در اصل فوریت خیار عیب هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. در مقابل، برخی دیگر مانند صاحب‌جوهر (جوهر، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۹۵) دیدگاه مشهور را قول به تراخی در خیار عیب می‌دانند. در خصوص خیار عیب، برخی فقها معتقدند که این خیار پس از آگاهی از عیب فوری می‌شود. زیرا با علم به عیب ضرر منتفی می‌شود و دلیلی برای بقای خیار با تأخیر وجود ندارد. در واقع، تأخیر در اعمال خیار عیب نوعی رضایت تلقی می‌شود، مگر اینکه این تأخیر دارای دلیل معقول و عرفاً پذیرفته‌شده باشد (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷: ۱۸؛ عاملی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۹۲).

مسقطات خيار عيب

خيار عيب حقی است که به خریدار اجازه می‌دهد در صورت وجود عيب در کالای خریداری شده معامله را فسخ کند یا مابه‌التفاوت قیمت کالای معيوب و سالم را (ارش) از فروشنده دریافت کند. اما این حق فسخ هميشگی نیست و ممکن است به دلایل مختلفی ساقط شود؛ از جمله اگر خریدار صراحتاً اعلام کند که از خيار عيب خود صرف‌نظر می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۳۷ - ۲۳۹) یا در کالای معيوب تصرف کند به نحوی که نشان‌دهنده رضایت او به کالا باشد (مانند تعمیر کردن یا فروختن آن) (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۳۹) یا کالای معيوب قبل از اعمال خيار عيب تلف شود (روحانی، بی‌تا، ج ۱۷: ۳۳۶) یا عيب کالا قبل از اعمال خيار عيب برطرف شود (جوهر/الکلام، ج ۲۳: ۲۴۰ - ۲۴۱) یا اینکه در ضمن عقد بیع شرط شود که خيار عيب ساقط شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۷: ۱۹۱). نکته مهم این است که تأخير در اعمال خيار عيب به‌خودی‌خود و مطلقاً موجب سقوط آن نمی‌شود؛ بلکه باید با توجه به عرف و اوضاع و احوال معامله و قصد طرفین تصمیم‌گیری کرد. ممکن است در مواردی تأخير در اعمال خيار عيب به نحوی باشد که نشان‌دهنده رضایت ضمنی خریدار به کالا باشد که در این صورت می‌تواند موجب سقوط خيار شود. همچنین، باید توجه داشت که سقوط خيار عيب لزوماً به معنای سقوط حق مطالبه ارش نیست. ممکن است در شرایطی خيار عيب ساقط شود؛ اما خریدار همچنان حق داشته باشد که ارش را از فروشنده مطالبه کند. به طور خلاصه، خيار عيب حقی است که برای حمایت از خریدار در برابر عيب کالا در نظر گرفته شده است. اما این حق هميشگی نیست و ممکن است به دلایل مختلف از بین برود.

بررسی دیدگاه‌های فقهي در خصوص تأخير در اعمال خيار عيب

در میان فقهای امامیه در خصوص تأخير در اعمال خيار عيب و اینکه آیا این تأخير صرفاً منجر به سقوط خيار می‌شود یا ارش را نیز ساقط می‌کند اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف دیدگاه‌ها ناشی از این است که آیا خيار عيب فوری است یا می‌توان آن را با تأخير نیز اعمال کرد.

دیدگاه عدم سقوط حق رد و ارش

برخی از فقها بر این باورند که خریدار، پس از آگاهی از عيب کالای خریداری شده، دو گزینه دارد: می‌تواند فوراً خيار عيب را اعمال و کالا را رد کند یا ارش بگیرد یا می‌تواند در اعمال خيار خود تأخير کند و پس از مدتی آن را اعمال کند. در هر صورت، تأخير در اعمال خيار حقی را از خریدار ساقط نمی‌کند، مگر آنکه خودش تصریح به اسقاط کرده باشد. به همین دلیل، آن‌ها معتقدند که خيار عيب فوری نیست و تأخير در اعمال آن منجر به از بین رفتن آن نمی‌شود (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۷۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۹۵؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۴۳۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۹: ۱۱۷؛ خمینی، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۳۳؛ یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۹۰؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۳۵۶؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۰؛ وحید خراسانی، بی‌تا، ج ۳: ۵۰).

ادله و مستندات این دیدگاه

نخستین دلیل قائلان به دیدگاه عدم سقوط حق رد و ارش عدم خلاف است؛ بدین معنا که فقهای که متعرض این مسئله شده‌اند نسبت به این حکم اختلافی ندارند و همه قائل به عدم سقوط حق رد و ارش‌اند (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۷۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۹۵). البته برخی از فقها مانند شهید ثانی از تعبیر «لانعلم فیه خلافا» استفاده کرده‌اند که از ادعای عدم خلاف ضعیف‌تر است و به این معناست که فقیه یادشده تحقیق و تفحص کامل نکرده است؛ اما به مقداری که بررسی کرده مخالفی در مسئله نیافته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۰۲). برخی نیز از تعبیر «من غیر خلاف يعرف» استفاده کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۹: ۱۱۷).

اطلاق ادله خيار دومین دلیل است. ادله خيارات عمومیت و اطلاق دارند؛ یعنی نسبت به فوریت اعمال خيار و ضمانت اجرای آن، که سقوط حق رد و ارش باشد، هیچ‌گونه قیدی یافت نمی‌شود و این خود موجب شده که نتوان مسئله فوریت را به‌صراحت در روایات یافت و به آن فتوا داد (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۷۷). همچنان که در خبر عمر بن یزید، امام (ع) اموری را که موجب از بین رفتن حق خيار می‌شود ذکر می‌کند؛ مانند تبری جستن از عيب، تبیین عيب، و احداث حدث (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۰). در ادامه

می‌فرماید اگر در مبیع احداث حدث صورت گرفته باشد حق رد ساقط می‌شود و ارش ثابت است. از این رو چنانچه تأخیر هم موجب سقوط خیار می‌شد، امام^(ع) آن را بیان می‌فرمود. همچنین مرسله جمیل مطلق است و در آن امام^(ع) فقط «قائم بعینه» بودن را معیار قرار داده و حکم به رد مبیع و اخذ ارش را مقید به مفاد «قائم بعینه» کرده است و نسبت به فوریت و تراخی کلام امام علیه السلام اطلاق دارد (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۳۰).

برخی فقها در تشریح این دلیل بیان داشته‌اند؛ روایت جمیل که به آن اشاره گردید، اطلاق داشته و مقتضای اطلاق آن این است که شیء معیوب «قائم بعینه» باشد؛ یعنی در آن تغییری ایجاد نشده باشد تا شخص خریدار بتواند آن را برگرداند و این عدم تغییر تمام العله برای فسخ خریدار می‌باشد. حال در این روایت جمیل، امام^(ع) به‌رغم اینکه در مقام بیان بوده است، نسبت به اینکه این کالای معیوب باید فوراً رد شود یا با تراخی می‌تواند مسترد کند سخنی نگفته است. بنابراین از اینکه اشاره‌ای به مسئله فوریت و تراخی و ضمانت اجرای آن یعنی سقوط حق رد و ارش نشده می‌توان به اطلاق آن تمسک کرد و فتوا به جواز تراخی و بقای حق رد و ارش داد (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۳۳؛ یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۹۰).

نقد و بررسی دلایل دیدگاه اول

دلایل ذکر شده برای اثبات عدم سقوط حق رد و ارش کافی نیستند. ادعای عدم خلاف نیز دارای اشکال است و نمی‌تواند پشتوانه محکمی داشته باشد. زیرا بررسی متون فقهی فقهای امامیه نشان می‌دهد در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. این ادعا به این معناست که تنها فقهایی که به این مسئله پرداخته‌اند با این دیدگاه موافق هستند و ممکن است بسیاری از فقها اصلاً به این مسئله نپرداخته باشند. البته همین ادعا نیز قابل تردید است. زیرا برخی از فقها، با وجود پرداختن به این مسئله، با دیدگاه اول موافق نیستند. بنابراین، با وجود این فقها، ادعای عدم خلاف بی‌اساس است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۸: ۲۵۶). دلیل دوم نیز سخنی مردود است. زیرا روایات مربوط به خیار صرفاً در مقام بیان اصل ثبوت حق خیار برای خریدار هستند و نسبت به فوریت و تراخی در مقام بیان نیستند. بنابراین تمسک به روایات یادشده در این باره بی‌دلیل است و شارع در مقام بیان این امر نبوده است تا نسبت به فوریت و تراخی روایت اطلاق داشته باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۳۳).

به عبارت دیگر، روایات نشان می‌دهد که آن‌ها دلالتی بر این ادعا که در فرض تأخیر اعمال خیار عیب حق رد و ارش ساقط نمی‌شود ندارند. به نحوی که برخی فقها تصریح می‌کنند روایات مورد ادعای این دیدگاه را نیافته‌اند و وجود ندارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۳۳). هرچند پاسخ به این اشکال را می‌توان این‌گونه داد که روایات علاوه بر اصل خیار عیب، در مقام بیان، حالاتی هستند که عارض می‌شود و با برخی از این حالات خیار ثابت است؛ مانند معیوب بودن مبیع که موجب خیار است و در برخی حالات که خیار ساقط است حق ارش باقی است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۳۳).

دیدگاه سقوط حق رد و ارش

برخی از فقها معتقدند که اگر خریدار در اعمال خیار عیب تأخیر کند، علاوه بر از دست دادن حق فسخ، حق مطالبه ارش را نیز از دست می‌دهد. زیرا به عقیده ایشان خیار عیب فوری است و در صورت عدم اعمال فوری آن هر دو حق از بین می‌روند (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۲۲؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۳۲).

ادله و مستندات این دیدگاه

نخستین دلیل قائلان به سقوط حق رد و ارش فوریت در خیار عیب و ضمانت اجرای تأخیر در اعمال آن (یعنی سقوط حق رد و ارش) اصل لزوم در بیع است (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۹۲)؛ به این معنا که اگر شخص پس از آگاهی از وجود عیب در کالا اقدام به اعمال خیار نکند، شک می‌شود که آیا هنوز هم امکان فسخ معامله برای خریدار وجود دارد یا خیر. در این فرض، استصحاب لزوم بر این است که بیع لازم و مشمول عمومات بیع می‌شود. بنابراین شخص در این فرض به جهت تأخیر در اعمال خیار خود حق رد و مطالبه ارش را از دست خواهد داد. برخی فقها با تکیه بر همین مسئله اعتقاد به فوریت خیار عیب دارند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۳۳ - ۳۳۴).

دليل دوم دیدگاه دوم رضایت به عقد و عيب است. سقوط حق رد و ارش این است که تأخير اعمال خيار به معنای رضای خریدار به عيب است؛ یعنی خریدار از حق خویش گذشته و به کالای معيوب در عقد یادشده رضایت داده است (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۹۲؛ مدنی، ۱۴۰۹: ۱۷۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۵۲۷).

تحليل و بررسی دلایل دیدگاه دوم

نکته قابل توجه در استناد به اصل لزوم این است که تنها زمانی می‌توان به یک قاعده کلی (عموم عام) استناد کرد که قاعده خاص (مخصص) دارای اطلاق نباشد؛ درحالی که در اصل نزاع بر وجود چنین اطلاقی مفروض است. همان‌طور که در روایات زراره و جمیل اشاره شد، اگر شیء معيوب «قائم بعینه» باشد (یعنی تغییری در آن رخ ندهد) باید به صاحبش برگردانده شود و ثمن گرفته شود. روایت جمیل که به عنوان یک قاعده خاص در برابر قواعد کلی لزوم بیع قرار می‌گیرد نسبت به فوریت یا تأخير در اعمال خيار و پیامدهای آن (سقوط حق فسخ و مطالبه ارش) سکوت کرده است و اطلاق دارد. بنابراین، می‌توان به این اطلاق استناد کرد و جواز تأخير در اعمال خيار را نتیجه گرفت (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۹۲). به عبارت دیگر، حق فسخ و مطالبه ارش به دليل وجود عيب در کالا، با ادله شرعی، قطعی و مسلم است. بنابراین، پس از اثبات حق خيار که امری خلاف اصل است دیگر جایی برای تمسک به اصل لزوم باقی نمی‌ماند. زیرا اصل در مواردی جاری می‌شود که دليل خاصی برای اثبات یک حق وجود نداشته باشد. در این مورد، ادله خيار عيب قابل استناد هستند، نه اصل لزوم. در مرحله اول باید به ادله خيار مراجعه کرد که نسبت به ادله اصل لزوم عقد حکم خاص‌تری دارند. حال اگر خيار در زمان بعدی (با تأخير) ثابت شود، دیگر نیازی به اصل لزوم نخواهد بود. با توجه به اینکه ادله خيار شامل زمان‌های بعدی (یعنی هنگام تأخير در اعمال خيار) نیز می‌شوند، بر اساس این اطلاق، خيار همچنان پابرجا و ثابت است.

دليل دوم که بیان می‌کند «تأخير در اعمال خيار نشانگر رضایت خریدار به عقد و عيب است» قابل پذیرش نیست. زیرا انگیزه‌های افراد در تأخير اعمال خيار متفاوت است و ممکن است علت تأخير صرفاً اهمال و سهل‌انگاری فرد باشد. بنابراین، تأخير را نمی‌توان به طور خاص به رضایت به عقد نسبت داد (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۹۰؛ خویی، بی‌تا، ج ۷: ۱۸۷؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۳۵۶؛ مدنی، ۱۴۰۹: ۱۷۰).

برخی دیگر از فقها این دليل را از دو جهت نقد کرده‌اند. نقد صغری: این استدلال که «تأخير دلالت بر رضایت دارد» ناتمام است. زیرا تأخير اعم از رضایت است و ممکن است دلایل دیگری مانند نیاز به تفکر و مشورت در مورد مسئله و آثار آن داشته باشد. نقد کبری: حتی اگر فرض کنیم تأخير نشانگر رضایت است، این رضایت نمی‌تواند موجب سقوط ارش شود؛ مگر اینکه با یک اقدام عملی یا گفتاری صریح همراه باشد (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۹۲).

بنابراین، رابطه بین تأخير و رضا یک رابطه اعم و اخص من وجه است. تأخير در اعمال خيار می‌تواند انگیزه‌های مختلفی داشته باشد و حتی ممکن است خریدار، به دليل اطمینان از وجود حق خيار، تصور کند می‌تواند آن را در هر زمانی اعمال کند. بنابراین، تأخير دليل بر رضایت به عيب و عقد نیست. زیرا نفی حالت خاص‌تر (رضایت) نمی‌تواند به معنای نفی حالت عام‌تر (تأخير به دلایل دیگر) باشد.

دیدگاه سقوط حق رد و ثبوت ارش

برخی از فقها معتقدند در صورت تأخير در اعمال خيار تنها حق فسخ از بین می‌رود و حق مطالبه ارش همچنان برای خریدار باقی می‌ماند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۸: ۲۵۶).

ادله و مستندات این دیدگاه

دليل اول از دلایل این دیدگاه عدم تضرر طرف معامله از تأخير در اخذ ارش است. نخستین دليل این دیدگاه این است که حکم به جواز تأخير در اعمال خيار عيب موجب تضرر طرف معامله می‌شود. به همین دليل است که برخی فقها قائل به فوریت آن شده‌اند. اما تأخير در مطالبه ارش، برخلاف حق رد، موجب تضرر طرف مقابل نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان مستندات سقوط حق رد

را در این فرض جاری دانست. دومین دلیل ثبوت حق ارش است. مطابق این دیدگاه، ارش طلبی است که ثبوت آن بر ذمه فروشنده قطعی است و تنها زمانی می‌توان به سقوط آن حکم داد که مشتری صریحاً آن را ابراء کند. بنابراین صرف تأخیر در اعمال خیار موجب سقوط آن نمی‌شود (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۳۵۶).

نقد و بررسی ادله دیدگاه سوم

نکته قابل تأمل این است که مطالبه ارش، همانند حق رد، ثبات اقتصادی بایع را بر هم می‌زند و موجب آسیب رساندن به او می‌شود. زیرا فروشنده همواره باید مقداری وجه نقد نگه دارد تا در صورت مطالبه ارش توسط خریدار آن را بپردازد. این تردید که آیا باید برای جبران عیب بدهی داشته باشد یا مالک تمام ثمن شده است فروشنده را در تصرف در دارایی‌اش مردد می‌کند و این خود نوعی ضرر است. در دلیل دوم، استقرار و قطعی شدن طلب خریدار منوط به مطالبه ارش از بایع است. بنابراین، قبل از مطالبه کافی است که خریدار اخذ ارش را انتخاب نکند و نیازی به ابراء فروشنده نیست. پس، اگر بپذیریم که تأخیر خریدار نشانه رضایت او به معامله است، این رضایت نوعی ابراء ضمنی از دین مربوط به ارش نیز محسوب می‌شود.

بررسی دیدگاه‌های فقه عامه در خصوص تأخیر در اعمال خیار عیب

با تتبع در متون فقهی اهل سنت، دیدگاه‌های متعددی در مورد تأخیر در اعمال خیار عیب به دست می‌آید. برخی از حنفی‌ها معتقدند که اگر خریدار پس از اطلاع از عیب و داشتن قدرت بر فسخ عقد کالا را رد نکند، این خودداری به منزله رضایت به عقد و عیب است و موجب سقوط حق خیار می‌شود. با این حال، برخی دیگر از حنفی‌ها این دیدگاه را رد می‌کنند و تأخیر در اعمال خیار را مجاز می‌دانند و آن را موجب سقوط حق خیار نمی‌دانند (الحنفی، بی‌تا، ج ۶: ۴۱؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۳).

مالکی‌ها تأخیر در مطالبه حق رد یا ارش در خیار عیب را یکی از عوامل سقوط این حقوق می‌دانند. آن‌ها معتقدند که هر امری که دلالت بر رضایت مشتری به عیب داشته باشد، مانند قول، سکوت، یا تصرف در مبیع پس از اطلاع از عیب، موجب سقوط خیار می‌شود؛ البته به شرطی که اعمال خیار فوری باشد (کلبی غرناطی، بی‌تا: ۱۷۶). شافعی‌ها نیز معتقدند که خیار عیب فوری است و اگر خریدار بدون عذر موجه در اعمال آن تأخیر کند، حق او از بین می‌رود. استدلال آن‌ها بر این مبنا است که اصل در بیع لزوم است و خیار عیب با دلیل اجماع و غیره ثابت شده است. قدر متیقن در اجماع، به دلیل لبی بودن آن، فوریت است و چیزی بیش از آن را شامل نمی‌شود. بنابراین، تأخیر در اعمال خیار موجب سقوط آن می‌شود (الرافعی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۵۰ - ۲۵۱؛ النووی، بی‌تا الف، ج ۳: ۱۳۸؛ النووی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۳۵ - ۱۳۶).

این مسئله را می‌توان از زاویه دیگری در متون فقهی اهل سنت بررسی کرد: آیا از نظر فقه‌های اهل سنت خیار عیب فوری است یا می‌توان آن را با تأخیر نیز اعمال کرد؟ تتبع در متون فقهی اهل سنت سه دیدگاه را در این باره نشان می‌دهد. دیدگاه نخست: خیار عیب فوری است و پس از آگاهی از عیب باید فوراً اعمال شود؛ در غیر این صورت حق خیار ساقط می‌شود. منظور از فوریت زمانی است که عرفاً و بر اساس عادت امکان فسخ برای خریدار وجود دارد. بنابراین، اگر شخصی هنگام عقد یا پس از آن از عیب آگاه شود، اما قرارداد را فسخ نکند، ضرر آن بر عهده خودش است و حق رجوع به ارش را نخواهد داشت. این دیدگاه مورد پذیرش شافعی‌ها و احمد بن حنبل است. حنفی‌ها نیز نگه داشتن کالای معیوب پس از اطلاع از عیب، درحالی‌که امکان اعمال خیار وجود دارد، را به منزله رضایت به عقد و موجب سقوط خیار و ارش می‌دانند (نووی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۳۴؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۵: ۴۷؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۰۹؛ البهوتی، ۱۴۰۲، ج ۳: ۲۱۸). مطابق این دیدگاه، اگر شخص برای تأخیر خود عذر عدم آگاهی از فوریت خیار را بیاورد، این عذر پذیرفته می‌شود. اما در صورت تقصیر در تأخیر اعمال خیار، همان‌طور که حق فسخ به دلیل تقصیر از بین می‌رود، حق مطالبه ارش نیز از بین خواهد رفت (نووی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۳۷ - ۱۳۹؛ شربینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۶). دیدگاه دوم: تأخیر در اعمال خیار تا زمانی که شخص رضایت خود را اعلام نکند موجب سقوط آن نمی‌شود. این دیدگاه مورد پذیرش حنفیه و حنبله است. آن‌ها معتقدند خیار برای دفع ضرر قطعی و مسلم وضع شده و مانند قصاص تأخیر در آن جایز است. صرف تأخیر، به معنای رضایت به عیب نیست و خیار را ساقط نمی‌کند (گروهی از نویسندگان، ۱۴۲۷، ج ۲۰: ۱۲۸ - ۱۲۹). دیدگاه سوم: مدت اعمال خیار عیب یک یا دو روز است. برخی معتقدند خریدار باید در این مدت خیار را اعمال کند. تفاوت بین یک یا دو روز در لزوم سوگند خریدار است که در صورت تأخیر دو روزه باید سوگند یاد کند که علت تأخیر رضایت به معامله نبوده است

(دسوقي، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۱). این دیدگاه نیز اعمال خيار را مانند قصاص با تراخی جایز می‌داند. اما گذشت یک یا دو روز از اطلاع از عيب و عدم اعمال خيار را نشانه رضایت به بيع و سقوط خيار می‌داند (گروهی از نویسندگان، ۱۴۲۷، ج ۲۰: ۱۲۹).

بررسی دیدگاه‌های حقوقي و رویه قضایی در ایران

دیدگاه قانون مدنی و حقوقدانان

قانون مدنی در ماده ۴۳۵ به فوریت در خيار عيب تصریح می‌کند، درحالی‌که مشهور فقها فوریت خيار عيب را نپذیرفته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۰۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳: ۶۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۹: ۱۱۷؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۴۳۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۷۷؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۰؛ وحید خراسانی، بی‌تا، ج ۳: ۵۰). از سوی دیگر، در ماده ۴۲۲، علاوه بر حق فسخ، مطالبه ازش نیز به عنوان ضمانت اجرای خيار عيب معرفی شده است. در حقوق ایران، در خصوص این مسئله دیدگاه یکسانی وجود ندارد و میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد.

با بررسی این دو ماده، به‌ظاهر چنین برمی‌آید که قانون‌گذار معتقد است اگر مشتری پس از آگاهی از عيب در کالا در مدت زمان معمول و متعارف آن را فسخ نکند، حق فسخ و حق مطالبه ازش او از بین می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۷۱ – ۲۷۲). این استنباط را می‌توان با توجه به ماده ۴۲۹ قانون مدنی: «در موارد ذیل مشتری نمی‌تواند بيع را فسخ کند و فقط می‌تواند ازش بگیرد:

– در صورت تلف شدن مبيع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر؛

– در صورتی که تغییری در مبيع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به فعل مشتری باشد یا نه؛

– در صورتی که بعد از قبض مبيع عيب دیگری در آن حادث شود، مگر اینکه در زمان خيار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست» تقویت کرد که در آن موارد سقوط حق فسخ و بقای حق ازش ذکر شده است. اگر تأخیر در اعمال خيار جزء این موارد بود، باید در ماده ۴۲۹ به آن اشاره می‌شد، نه اینکه در ماده‌ای جداگانه (ماده ۴۳۵: «خيار عيب بعد از علم به آن فوری است») به فوریت خيار عيب تصریح شود.

این استنباط (یعنی سقوط حق رد و ازش به جهت تأخیر) توسط برخی حقوقدانان رد شده است. آن‌ها معتقدند که تأخیر در مطالبه ازش موجب سقوط آن نمی‌شود. زیرا تأخیر در مطالبه ازش خسارتی به بايع وارد نمی‌کند و از نظر قضایی نیز دلیلی بر سقوط این حق در اثر تأخیر وجود ندارد. بنابراین، مشتری می‌تواند تا زمانی که مطالبه ازش مشمول مرور زمان نشده است آن را از بايع مطالبه کند (امامی، بی‌تا، ج ۱: ۵۱۳؛ صفایی، ۱۴۰۱: ۳۲۴ – ۳۲۵؛ طاهری، ۱۴۱۸، ج ۴: ۱۴۹).

برخی حقوقدانان دیگر، ضمن تأیید فوریت خيار عيب و سقوط حق فسخ در صورت تأخیر، در مورد سقوط حق مطالبه ازش تصریحی نکرده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۵ – ۶۶). بر اساس دیدگاه فوریت، حکمت تشریح خيار (یعنی دفع ضرر) با علم به اصل خيار از بین می‌رود. بنابراین، تأخیر و اهمال در اعمال خيار در جایی که شخص پس از اطلاع می‌تواند اقدام کند اما بدون عذر از اعمال خيار خودداری می‌کند نشانگر رضایت به عقد و کالای معيوب است؛ مگر اینکه تأخیر عرفاً دلیل منطقی و معقولی داشته باشد که در این صورت منافاتی با فوریت خيار ندارد. پس خریدار به مقدار ضرورت سلبه بر فسخ عقد دارد و مقدار این ضرورت را مهلت معقول تعیین می‌کند (جعفری لنگرودی، بی‌تا: ۳۰۳).

رویه قضایی

بررسی رویه قضایی در ایران نشان می‌دهد برخی محاکم و دادگاه‌ها، به تبعیت از قانون مدنی و ماده ۴۳۵ آن، قائل به فوریت خيار عيب هستند. این رویکرد در آرای متعددی مشاهده می‌شود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در رأی دادگاه معتقد است که اعمال خيار عيب پس از علم به آن فوری است و در صورت عدم اعمال در زمان فوری عرفی تقاضای پرداخت ازش مسموع نیست. در پرونده‌ای به شماره دادنامه قطعی ۱۴۶۶/۳۰۳۰۲۲۰۹۹۷۰۹۱۰ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۹ دادگاه بدوی به استناد ماده ۴۳۵ قانون مدنی مبنی بر فوریت خيار عيب و عدم اعمال آن در مهلت معمول و متعارف رأی به بی‌حقی خواهان در مطالبه خسارت وارده به مبيع صادر کرده است. این رأی در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شده است.

در پرونده دیگری به شماره دادنامه قطعی ۱۳۹۴/۰۵/۰۵ در تاریخ ۹۳۰۹۹۸۰۲۳۱۹۰۰۳۲۸ در دادگاه پس از بررسی پرونده معتقد

است اعمال خیار عیب پس از علم به آن فوری است و تفاوتی میان فسخ قرارداد و مطالبه ارش وجود ندارد. بنابراین ادعای خواهان مبنی بر مطالبه ارش و خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه را رد می‌کند. این رأی نیز در دادگاه تجدیدنظر با استناد به ماده ۴۳۵ قانون مدنی تأیید می‌شود.

در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۵ با موضوع بررسی فوریت اعمال خیار عیب در مطالبه ارش نظرات متفاوتی مطرح شد. هیئت عالی معتقد بود که فوریت در خیار عیب و خیار غبن و خیار عیب ناظر بر اعمال حق فسخ است، نه مطالبه ارش. مطالبه ارش مبتنی بر قاعده لاضرر و سایر قواعد فقهی است و تأخیر در آن موجب سقوط حق مطالبه ارش نمی‌شود.

در نشست قضایی مورد بحث دو دیدگاه اصلی در خصوص فوریت اعمال خیار عیب و تأثیر آن بر حق مطالبه ارش مطرح شد. اکثریت شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که فوریت تنها شامل حق فسخ می‌شود و حق ارش، حتی با وجود تأخیر در اعمال خیار، برای خریدار باقی می‌ماند. آن‌ها استدلال می‌کردند که تأخیر در مطالبه ارش، برخلاف فسخ، ضرری به فروشنده وارد نمی‌کند و به منزله اسقاط این حق نیست. زیرا ارش طلبی مستقل است که سقوط آن نیازمند ابراء صریح خریدار است. در مقابل، اقلیت حاضر در جلسه دیدگاهی متفاوت داشتند و معتقد بودند که فوریت در اعمال خیار عیب هم شامل حق فسخ و هم شامل حق ارش می‌شود. بنابراین، تأخیر در مطالبه ارش نیز مانند تأخیر در فسخ معامله موجب سقوط این حق می‌شود. استدلال‌های آن‌ها بدین شرح است: نخست، تضرر بایع در صورت تأخیر در مطالبه ارش. تأخیر در مطالبه ارش نیز می‌تواند موجب ضرر برای فروشنده شود. زیرا فروشنده همواره باید برای پرداخت احتمالی ارش آمادگی داشته باشد و این بلا تکلیفی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مالی و معاملات او اختلال ایجاد کند. دوم، تأخیر به عنوان اسقاط عملی حق رد و ارش. از نظر این گروه، تأخیر خریدار در اعمال خیار یا مطالبه ارش نشان‌دهنده رضایت او به عقد و کالای معیوب است و به منزله اسقاط عملی این حقوق تلقی می‌شود. سوم، شمول حکم فوریت بر تمام محتویات خیار. آن‌ها با استناد به ماده ۴۲۲ قانون مدنی معتقد بودند که مطالبه ارش در کنار فسخ معامله یکی از اختیارات ناشی از خیار عیب است. بنابراین، حکم فوریت باید شامل هر دو حق شود و تأخیر در مطالبه ارش نیز موجب سقوط آن خواهد شد.

در نتیجه بررسی آرای قضایی نشان می‌دهد در رویه قضایی ایران دو رویکرد متفاوت در خصوص فوریت اعمال خیار عیب و تأثیر آن بر حق مطالبه ارش وجود دارد. برخی محاکم با تبعیت از قانون مدنی قائل به فوریت خیار عیب و سقوط حق ارش در صورت تأخیر هستند. در حالی که برخی دیگر از حاضرین در این نشست با استناد به نظر مشهور فقها و قواعد فقهی فوریت را تنها شامل حق فسخ می‌شمارند و حق ارش را در صورت تأخیر نیز برای خریدار باقی می‌دانند.

در تحلیل رویه قضایی می‌توان چنین اظهار نظر کرد که این اختلاف نظرها در رویه قضایی نشان‌دهنده پیچیدگی و ابهام موجود در قوانین و مقررات مربوط به خیار عیب است. از یک سو، قانون مدنی در ماده ۴۳۵ به فوریت خیار عیب تصریح می‌کند؛ از سوی دیگر مشهور فقها قائل به فوریت این خیار نیستند. این موضوع باعث شده است که محاکم در برخورد با پرونده‌های مربوط به تأخیر در اعمال خیار عیب رویکردهای متفاوتی اتخاذ کنند و این امر می‌تواند موجب نااطمینانی و بی‌ثباتی در روابط تجاری شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات مربوط به خیار عیب، به‌ویژه در خصوص فوریت اعمال آن و تأثیر تأخیر بر حق مطالبه ارش، ضروری است. این اصلاحات باید با در نظر گرفتن نظرات فقها و حقوقدانان و رویه قضایی و همچنین با توجه به شرایط و ضرورت‌های کنونی بازار صورت گیرد تا بتواند به رفع ابهامات و اختلافات موجود در این زمینه کمک کند و حقوق خریداران و فروشندگان را به طور عادلانه تأمین کند.

دیدگاه برگزیده

پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی در خصوص تأخیر در اعمال خیار عیب، می‌توان چنین اظهار نظر کرد که تأخیر در اعمال خیار عیب، به‌خودی‌خود، موجب سقوط حق فسخ و ارش نمی‌شود. اما این تأخیر نباید به گونه‌ای باشد که نشان‌دهنده رضایت ضمنی خریدار به قرارداد و عیب موجود در کالا باشد. به عبارت دیگر، دیدگاه مختار در این مقاله قائل به عدم سقوط حق فسخ و ارش در صورت تأخیر خریدار است، مگر آنکه این تأخیر به گونه‌ای باشد که رضایت ضمنی خریدار به قرارداد و عیب

موجود در کالا را نشان دهد.

آنچه ملاک تشخیص زمان ظهور عيب و فوریت اعمال خيار است فهم عرفی است. زیرا گاهی عرف از تأخير در اعمال خيار سستی یا بی پروایی صاحب حق خيار را استنباط می کند. در این موارد، عرف به سقوط حق ردّ به دلیل سستی یا بی پروایی حکم می کند. برخی از فقها هم به این نکته اشاره کرده اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۵۱).

اگر خریدار پس از آگاهی از عيب، در یک بازه زمانی معقول که با توجه به عرف و اوضاع و احوال مشخص می شود، اقدامی برای اعمال خيار خود نکند و این تأخير غير موجه و به زیان فروشنده باشد، دادگاه می تواند با توجه به عوامل مختلف از جمله نوع کالا، نوع عيب، میزان زیان فروشنده، و قرائن و امارات موجود در پرونده سهل انگاری خریدار را احراز و حق فسخ او را ساقط شده اعلام کند. مثلاً، اگر خریدار پس از آگاهی از عيب و با وجود امکان معقول برای اتخاذ تصمیم و اعمال خيار همچنان از اعلام تصمیم خود و اعمال خيار خودداری کند و این تعلل به فروشنده ضرر بزند، ادامه حق فسخ برای او بعید خواهد بود.

بر این اساس اگر خریدار پس از آگاهی از عيب در یک بازه زمانی معقول و عرفاً پذیرفته شده اقدامی برای اعمال خيار خود نکند و این تأخير به زیان فروشنده باشد، به نظر می رسد حق فسخ او از بین می رود. مثلاً، اگر خریدار پس از آگاهی از عيب و مشورت های لازم همچنان از اعلام تصمیم خود و اعمال خيار خودداری کند و این تعلل به فروشنده ضرر بزند، ادامه حق فسخ برای او محل تردید خواهد بود. زیرا این تأخير غير موجه است و نشان دهنده بی توجهی خریدار به حقوق فروشنده است. در چنین شرایطی، می توان گفت که خریدار با سهل انگاری خود حق فسخ را از دست داده است.

اما در مورد حق ارش باید گفت که این حق تا زمانی که خریدار صریحاً از آن صرف نظر نکند یا فروشنده را ابراء نکند به قوت خود باقی خواهد ماند. این امر به دلیل ماهیت متفاوت ارش با حق فسخ و نقش آن در تعدیل قرارداد و جبران خسارت خریدار است. ارش حقی است که به خریدار اجازه می دهد تا مابه التفاوت قیمت کالای معیوب و سالم را از فروشنده مطالبه کند. این حق مستقل از حق فسخ است و حتی در صورت سقوط حق فسخ به دلیل تأخير همچنان برای خریدار باقی می ماند، مگر اینکه او صریحاً از آن صرف نظر کند.

دیدگاه برگزیده این مقاله، که تأخير در اعمال خيار عيب را فی نفسه موجب سقوط حق فسخ و ارش نمی داند، بر پایه چند استدلال استوار است:

نخست، اصل عدم سقوط حقوق که در فقه و حقوق به آن تأکید می شود (نائینی، بی تا، ج ۱: ۴۲). این اصل می گوید حقوق افراد تا زمانی که صریحاً از آن ها صرف نظر یا آن ها را ساقط نکنند به قوت خود باقی می مانند. در مورد خيار عيب نیز تا زمانی که خریدار به صراحت حق فسخ یا ارش را ساقط نکند این حقوق برای او محفوظ خواهند بود.

دوم، ماهیت متفاوت حق فسخ و ارش. حق فسخ به معنای انحلال قرارداد و بازگشت طرفین به وضعیت قبل از عقد است، در حالی که ارش تنها به معنای دریافت مابه التفاوت قیمت کالای معیوب و سالم است و قرارداد همچنان پابرجا می ماند. این تفاوت ماهوی نشان می دهد که سقوط یکی از این حقوق لزوماً به معنای سقوط دیگری نیست.

سوم، لزوم رعایت انصاف و عدالت در روابط تجاری. دیدگاه مختار با توجه به این اصل می کوشد تعادلی بین حقوق خریدار و فروشنده برقرار کند. از یک سو به خریدار اجازه می دهد تا در صورت وجود عيب در کالا حق فسخ یا ارش داشته باشد و از سوی دیگر با محدود کردن حق فسخ در صورت تأخير غير موجه از تضييع حقوق فروشنده جلوگیری می کند.

دیدگاه برگزیده، که تأخير در اعمال خيار عيب را فی نفسه موجب سقوط حق فسخ و ارش نمی داند، می تواند نقش مهمی در حمایت از حقوق خریداران در خریدهای آنلاین داشته باشد. در خریدهای آنلاین، به دلیل عدم امکان بررسی فیزیکی کالا قبل از خرید، خریدار ممکن است پس از دریافت کالا متوجه عيب آن شود. در این صورت، دیدگاه برگزیده به خریدار این امکان را می دهد که حتی اگر مدتی از زمان خرید گذشته باشد بتواند خيار عيب خود را اعمال کند و کالا را به فروشنده بازگرداند یا ارش آن را دریافت کند.

همچنین این دیدگاه می تواند مبنایی برای تعیین زمان مرجوعی کالا در خریدهای آنلاین باشد. فروشندگان می توانند با توجه به این دیدگاه و با در نظر گرفتن نوع کالا و شرایط معامله زمان مشخصی را برای مرجوعی کالا اعلام کنند. این زمان باید به

گونه‌ای باشد که به خریدار فرصت کافی برای بررسی کالا و کشف عیوب احتمالی را بدهد. همچنین، گارانتی کالا نیز می‌تواند به عنوان نوعی تکمیل‌کننده‌ی خیار عیب در خریدهای آنلاین عمل کند و به خریدار اطمینان خاطر بیشتری بدهد. در نهایت، این دیدگاه با توجه به شرایط و نیازهای کنونی جامعه و با در نظر گرفتن سرعت و پیچیدگی معاملات در دنیای امروز تلاش می‌کند راه‌حلی عملی و کارآمد برای مسئله‌ی تأخیر در اعمال خیار عیب ارائه دهد. این دیدگاه با تکیه بر اصول و ضوابط فقهی و حقوقی و با توجه به شرایط و نیازهای کنونی جامعه راه‌حلی متعادل و منصفانه برای مسئله‌ی تأخیر در اعمال خیار عیب ارائه می‌دهد و می‌تواند به عنوان مبنایی برای تعیین زمان مرجوعی کالا در خریدهای آنلاین و تکمیل‌کننده‌ی نقش گارانتی در حمایت از خریداران مورد استفاده قرار گیرد و به ایجاد یک بازار عادلانه‌تر و شفاف‌تر کمک کند.

نتیجه

در این پژوهش، با بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در خصوص تأثیر تأخیر در اعمال خیار عیب بر حق فسخ و ارش، این نتیجه حاصل شد:

۱. تأخیر در اعمال خیار عیب فی‌نفسه موجب سقوط حق فسخ و ارش نمی‌شود، مگر آنکه این تأخیر به گونه‌ای باشد که نشان‌دهنده‌ی رضایت ضمنی خریدار به قرارداد و عیب موجود در کالا باشد.
 ۲. اگر خریدار پس از آگاهی از عیب، در مدت زمان معقول و متعارف اقدام به اعمال خیار نکند و این تأخیر موجب تضرر فروشنده شود، حق فسخ او می‌تواند ساقط شود. اما حق مطالبه‌ی ارش تا زمانی که خریدار صریحاً از آن صرف نظر نکند یا فروشنده را ابراء نکند به قوت خود باقی خواهد ماند. دیدگاه برگزیده می‌تواند نقش مهمی در حمایت از حقوق خریداران در خریدهای آنلاین داشته باشد و به عنوان مبنایی برای تعیین زمان مرجوعی کالا در خریدهای آنلاین و تکمیل‌کننده‌ی نقش گارانتی در حمایت از خریداران مورد استفاده قرار گیرد.
- در نهایت، با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با در نظر گرفتن شرایط و ضرورت‌های کنونی مقررات مربوط به خیار عیب را به‌روزرسانی کند. این به‌روزرسانی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:
- تعریف دقیق‌تر مفهوم «فوریت»: قانون‌گذار می‌تواند با ارائه‌ی تعریفی دقیق‌تر از مفهوم «فوریت» در اعمال خیار عیب به رفع ابهامات و اختلافات موجود در این زمینه کمک کند. این تعریف می‌تواند بر اساس عرف و عادت تجاری و با در نظر گرفتن نوع کالا و شرایط بازار و سایر عوامل مرتبط صورت گیرد.
 - تعیین مدت‌زمان مشخص برای اعمال خیار: تعیین یک بازه‌ی زمانی مشخص برای اعمال خیار عیب می‌تواند به شفافیت بیشتر در روابط تجاری و کاهش اختلافات کمک کند. این مدت‌زمان می‌تواند با توجه به نوع کالا و شرایط معامله متفاوت باشد.
 - تعیین ضمانت‌اجراهای روشن برای عدم اعمال به‌موقع خیار: قانون‌گذار می‌تواند با تعیین ضمانت‌اجراهای روشن و متناسب برای عدم اعمال به‌موقع خیار عیب به تشویق خریداران به رعایت فوریت در اعمال خیار و جلوگیری از تضییع حقوق فروشنندگان کمک کند.
- با اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات مرتبط با خیار عیب، می‌توان به ایجاد یک بازار عادلانه‌تر و شفاف‌تر و کارآمدتر کمک کرد و از تضییع حقوق خریداران و فروشنندگان در معاملات جلوگیری کرد.

منابع

- ابن فارس، زكريا (۱۴۰۴). معجم مقاييس اللغة. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸). المعنى. قاهره: مكتبه القاهره.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت: دارالفكر.
- اردبيلي، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائده و البرهان. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- اصفهانى، محمدحسين (۱۴۱۸). حاشيه كتاب المكاسب. قم: انوار الهدى.
- امامى، سيد حسن (بى تا). حقوق مدنى. تهران: اسلاميه.
- انصارى، مرتضى (۱۴۱۱). المكاسب. قم: دار الذخائر.
- _____ (۱۴۱۵). المكاسب. قم: كنگره جهانى بزرگ داشت شيخ اعظم انصارى.
- البجيرمى، سليمان بن محمد (۱۴۱۵). تحفه الحبيب على شرح الخطيب. بيروت: دار الفكر.
- بحرانى، يوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضره فى احكام العتره الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- بهوتى، منصور بن يونس (۱۴۰۲). كشف القناع عن متن الاقناع. بيروت: دار الفكر.
- توحيدى، محمدعلى (۱۴۱۷). مصباح الفقاهه فى المعاملات. قم: مؤسسه انصاريان.
- جعفرى لنگرودى، محمدجعفر (۱۳۶۳). ترمينولوژى حقوق. تهران: گنج دانش.
- _____ (بى تا). تئورى موازنه.
- حلبى، حمزه بن على (۱۴۱۷). غنيه النزوع الى علمى الاصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق.
- حنفى، ابن عابدين (۱۴۱۲). رد المختار على الدر المختار. بيروت: دار الفكر.
- حنفى، زين الدين بن نجم (بى تا). البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بيروت: دار المعرفه.
- خوئى، ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحين (خويى). قم: مدينه العلم.
- دسوقى، محمد (بى تا). حاشيه الدسوقى على شرح الكبير. مصر: دار احياء الكتب العربيه.
- الرافعى، عبدالكريم بن محمد (۱۴۱۷). العزيز شرح الوجيز. بيروت: دار الكتب العلميه.
- روحانى، سيد محمدصادق (بى تا). فقه الصادق عليه السلام. قم: مؤلف.
- سبحانى، جعفر (۱۴۱۴). المختار فى احكام الخيار. قم: مؤسسه امام صادق.
- سزوارى، عبدالاعلى (۱۴۱۳). مهذب الاحكام. قم: دار التفسير.
- سزوارى، محقق (۱۴۲۳). كفايه الاحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- شربينى، الخطيب (بى تا). معنى المحتاج الى معرفه معانى الفاظ المنهاج. بيروت: دار المعرفه.
- شهيد اول، محمد بن مكى (۱۴۱۰). اللمعه الدمشقيه. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على (۱۴۰۳). الروضه البهييه فى شرح اللمعه الدمشقيه. بيروت: دار احياء.
- شهيدى، مهدي (۱۳۸۸). حقوق مدنى (عقود معين). تهران: مجد.
- صفايى، سيد حسين (۱۴۰۱). دوره مقدماتى حقوق مدنى، تعهدات و قراردادها. تهران: ميزان.
- طاهرى، حبيب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنى. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فى فقه الاماميه. تهران: المكتبه المرتضويه.
- طوسى، محمد بن على (۱۴۰۸). الوسيله الى نيل الفضيله. قم: مرعى نجفى.
- عاملى، حر محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصيل وسائل الشيعه. قم: مؤسسه آل البيت.
- عاملى، شهيد ثانى (۱۴۱۰). الروضه البهييه فى شرح اللمعه الدمشقيه. قم: كتاب فروشى داورى.
- _____ (۱۴۱۳). مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.

عاملی، محقق ثانی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت.
 عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱). *مدارک الاحکام*. بیروت: مؤسسه آل البيت.
 فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *ایضاح الفوائد فی شرح القواعد*. قم: بینا.
 فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. قم: دار الرضی.
 کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 گروهی از نویسندگان (۱۴۲۷). *الموسوعه الفقہیہ الكويتیہ*. کویت: وزاره الأوقاف.
 محمد حسین النائینی (بی تا). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*. الناشر: المکتبه المحمديه.
 منهاج الصالحین، الشیخ حسین الوحید الخراسانی (بی تا). الناشر: مدرسه الإمام باقر العلوم (ع).
 موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 نووی، محیی الدین (بی تا). *تکمله المجموع شرح المہذب*. بیروت: دار الفکر.
 _____ (بی تا الف). *روضه الطالبین و عمدہ المقتبین*. بیروت: دار الکتب العلمیہ.
 هاشمی شاهرودی، محمود (۲۰۱۱). *منهاج الصالحین*. قم: مکتب آیت الله العظمی السید محمود الهاشمی.
 یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). *حاشیه المکاسب*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- Amali, H. M. H. (1989). *Tafsil Wasail al-Shi'ah [Detailed Means of the Shi'a]*. Qom: Al-al al-Bait Institute. (in Arabic)
- Amali, M. A. (1991). *Madarik al-Ahkam*. Beirut: Al-al al-Bait Institute. (in Arabic)
- Amali, M. Th. (1994). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Qom: Al-al al-Bait Institute. (in Arabic)
- Amali, Sh. Th. (1990). *Al-Rawdah al-Bahiyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyah*. Qom: Davari Bookstore. (in Arabic)
- (1993). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharay' al-Islam*. Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyah Institute. (in Arabic)
- Ansari, M. (1995). *Al-Makasib [Earnings]*. Qom: World Congress for Commemorating Shaykh al-Azam Ansari. (in Arabic)
- (1991). *Al-Makasib [Earnings]*. Qom: Dar al-Dhakha'ir. (in Arabic)
- Ardabili, A. M. (1983). *Majma' al-Fawa'id wa'l-Burhan*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Bahrani, Y. A. (1985). *Al-Hadiqat al-Nadirah fi Ahkam al-'Atrat al-Tahira [The Fresh Gardens in the Rulings of the Pure Household]*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Bajjiri, S. M. (1995). *Tuhfat al-habib 'ala sharh al-khatib [The Gift of the Beloved on the Explanation of al-Khatib]*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Buhti, M. Y. (1982). *Kashf al-Qina' 'an Mattn al-Iqna' [Unveiling the Mask from the Text of al-Iqna']*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Dasuqi, M. (n.d.). *Hashiya al-Dasuqi 'ala Sharh al-Kabir*. Egypt: Dar Ihya' al-Kutub al-'Arabiya. (in Arabic)
- Faris, Z. (1984). *Al-Mu'jam al-Maqaysis al-Lughah [The Dictionary of Linguistic Scales]*. Qom: Islamic Publicity Office. (in Arabic)
- Fuyumi, A. M. (n.d.). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i*. Qom: Dar al-Radi. (in Arabic)
- Halabi, H. A. (1997). *Ghaninat al-Naz' ila 'Ilm al-Usul wa'l-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Arabic)
- Hanfi, I. 'A. (1992). *Radd al-Muhtar 'ala al-Durr al-Mukhtar [The Replier to the Chosen Pearl]*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Hanfi, Z. N. (n.d.). *Al-Bahr al-Ra'iq Sharh Kanz al-Daqa'iq [The Clear Sea: Explanation of the Treasure of Subtleties]*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (in Arabic)
- Imami, S. H. (n.d.). *Huquq Madani*. Tehran: Islamiyeh Publications. (in Persian)
- Isfahani, M. H. (1998). *Hashiya Kitab al-Makasib*. Qom: Anvar al-Hadi. (in Arabic)
- Jafari Langroudi, M. J. (n.d.). *Theory of Balance*. (in Persian)
- Katozian, N. (1968). *Qawa'id 'Amm al-Uqud [General Principles of Contracts]*. Tehran: Sharekat Sahami Enteshar. (in Persian)
- Ministry of Awqaf and Islamic Affairs. (2007). *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyah al-Kuwaytiyah*. Kuwait: Ministry of Awqaf. (in Arabic)
- Mosavi Khomeini, R. (2001). *Kitab al-Bay'*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (in Arabic)
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalām fi Sharh Sharā'i' al-Islām*. Beirut: Dar Ihya' al-Tu'rath al-'Arabi. (in Arabic)

- Arabic)
- Nawawi, M. D. (n.d.). *Raudat al-Talibin wa 'Umdah al-Muftiyyin*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiya. (in Arabic)
- (n.d.). *Takmilat al-Majmu' Sharh al-Muhadhdhab*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Qudamah, A. b. A. (1968). *Al-Mughn*. Cairo: Dar al-Kutub al-Misriya. (in Arabic).
- Rafi'i, 'A. M. (1997). *Al-'Aziz Sharh al-Wajiz*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiya. (in Arabic)
- Sabhani, J. (1994). *Al-Mukhtar fi Ahkam al-Khiyar* [The Chosen in the Rulings of Option]. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Arabic)
- Sabzvari, M. (2003). *Kafayat al-Ahkam [Sufficiency of the Rulings]*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Safa'i, S. H. (2021). *Doreh Moghaddamati Huquq Madani, Ta'ahhodāt va Qarārdādhā [Introductory Course in Civil Law, Obligations, and Contracts]*. Tehran: Mizan. (in Arabic)
- Shahidi, M. (1999). *Huquq Madani (Uqud Ma'in) [Civil Law (Specific Contracts)]*. Tehran: Majd. (in Arabic)
- Sharbini, al-Khatib. (n.d.). *Mughni al-muhtāj ilā ma'rifat ma'ānī al-alfāz al-manhaj* [The Sufficient for the Needy to Know the Meanings of the Words of the Method]. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (in Arabic)
- Taheri, H. (1998). *Huquq Madani [Civil Law]*. Qom: Islamic Publications Office. (in Persian)
- Tuhidi, M. A. (1997). *The Lamp of Jurisprudence in Transactions*. Qom: Ansariyan Institute. (in Arabic).
- Tusi, A. J. M. H. (1968). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiya [The Comprehensive in Imami Jurisprudence]*. Tehran: Al-Maktabah al-Murtadaviyah. (in Arabic)
- Tusi, M. A. (1988). *Al-Wasilah ila Nil al-Fadhilah* [The Means to Attain Virtue]. Qom: Mar'ashi Najafi. (in Arabic)
- Yazdi, S. M. K. (2001). *Hashiyah al-Makasib*. Qom: Isma'iliyan Institute. (in Persian)